

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

مروری بر کتاب شریف سر الصلاة امام خمینی قدس سره ۹

از آنجایی که حقیقت و گوهر ذات باری تعالی، در پرده عزّت و جلال خود پنهان است و ما سوای او را راهی به شناختش نیست؛ خداوند بندگان را از سر مهر و رحمت، از طلب ناممکن پرهیز داده است: «وَيَحْذَرُكَ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهِ رُؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران/ ۳۰) بنابراین از مهم ترین مطالب معرفت عرفانی در خصوص هستی شناسی، گفتگو درباره مراتب مظاهر وجود خداوند است. در معرفت عرفانی، هستی حقیقی و حقیقت هستی، وجود حضرت حق است که در مراتب و منازل و مرائی تجلّی نموده است بدون اینکه از وجود او چیزی کاسته، جدا شده یا تنزلی صورت گرفته باشد.

دائماً او پادشاه مطلق است
او به سر ناید ز خود آن جا که اوست
در کمال عزّ خود مستغرق است
کی رسد عقل وجود آن جا که اوست

ظهور حق تعالی در مراتب هستی که با انسان کامل شروع می شود؛ به اعتباری دارای سه مقام است: با بدن مادی در دنیا و با نفس مثالی در عالم مثال و با روح مجرد خود در عالم عقل و مجرد محض، حضور دارد و به تعبیر امام (ره) حضور انسان یکی به صورت مقام مُلک و دنیا، دوم مقام برزخ، سوم مقام عقل و آخرت است؛ کیفیت ظهور حق در مراتب وجود در نگاه امام رحمه الله: حضرت امام رحمه الله در شرح مطلب خود می فرماید: «... و در انسان کامل این سه مقام یکی مقام تعینات مظاهر است؛ و یکی مقام مشیّت مطلقه، که برزخ البرازخ است و به اعتباری مقام عما است؛ و یکی مقام احدیّت جمع اسما است و در آیه شریفه بسم الله اشاره به این سه مقام تواند بود: الله، که مقام احدیّت جمع است؛ و اسم که مقام برزخیّت کبری است؛ و تعینات رحمانی و رحیمی مشیّت...»

شرح: حضرت امام رحمه الله در کتاب شریف مصباح الهدایه به شرح ظهور حق تعالی در مراتب وجود پرداخته است. ایشان در باره هویت غیبیه حضرت حق جلّ شأنه که از آن به عنقای مغرب و مقام «لا اسم له و لا رسم له» تعبیر می شود می فرماید که حقیقت ذات حق تعالی برای احدی از انبیا و رسولان، حتی برای ختم ولایت مطلقه محمدیه (صلی الله علیه و آله)، شناخته نشده است؛ [چنانکه رسول مکرم اسلام (صلی الله

علیه و آله، [فرمود: « مَا عِبَادَتَكَ حَقٌّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَرَفْتَكَ حَقٌّ مَعْرِفَتِكَ. » (بحار، ج ۶۸، ص ۲۳) ما تو را چنان که حق معرفت می‌باشد نشناختیم، و ما تو را آن گونه که حق عبادت تو است پرستش نکردیم. »

امام رحمه الله در فرازی از تفسیر سوره حمد می‌فرماید: «یکی از مسائلی که در اسم است، این است که یک وقت مال مقام ذات است که اسم جامعش «الله» هست، و دیگر اسماء ظهور به رحمت و رحمانیت و ... اینها همه از تجلیات اسم اعظم است. «الله» اسم اعظم و تجلی اول (که از آن به احدیت جمع اسماء، مقام جمع الجمع نیز تعبیر می‌کنند) است، اسماء نیز سه قسم است: اسمایی در مقام ذات، اسمایی در مقام تجلیات به

اسمیت [تجلی صفاتی] و اسمایی در تجلی فعلی که اولی مقام «احد»، دومی مقام «واحدیت» و سومی مقام «مشیت» نامیده می‌شوند؛ و شاید آیات شریفه آخر سوره حشر که سه آیه است، اشاره به همین باشد. شاید این سه نوع وارد شدن و ذکر کردن، همین مقامات ثلاثه اسماء باشد. اسم در مقام ذات مناسب با همان اسماء اولی است که در آیه وارد شده «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و اسم به تجلی صفاتی، مناسب با آن صفات و اسمایی است که در آیه دوم واقع شده است «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ». تجلی فعلی هم «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ» است که آیه سوم مناسبت با همین تجلی فعلی دارد که سه نوع جلوه است: جلوه ذات برای ذات، جلوه در مقام اسماء و جلوه در مقام ظهور. شاید «هو الاول و الآخر» اول است، آخر هم اوست؛ کانه دیگران اصلا نفی و منفی هستند «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ» هرچه ظهور است اوست؛ نه اینکه از اوست ... (تفسیر سوره حمد، امام خمینی (ره)، ص ۸۶).

این همه عکس می و نقش مخالف که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد
اکنون برای فهم بیش‌تر مطالب امام قدس سره، تعاریف چند اصطلاح عرفانی را از نظر می‌گذرانیم:

تجلی ذاتی، اسمائی و صفاتی، فعلی: اسم در لغت به معنی علامت و نشانه است و بر هر لفظ دال بر چیزی اطلاق می‌شود. در اصطلاح عرفان نظری، ذات را به اعتبار صفتی معین و تجلی‌ای از تجلیات «اسم» می‌نامند و گاه «صفت» را اسم گویند. هر مظهري که اسماء ذات در آن ظهور و تجلی نماید، تجلی ذاتی می‌گویند، و اگر حق با اسماء و صفات تجلی کند آن را تجلی اسمایی و اگر با اسماء فعل تجلی کند، آن را تجلی فعلی می‌نامند. اکثر این اسماء که به سه قسم تقسیم می‌شوند به اعتباراتی جامع اسماء ذات و صفات و افعالند؛ فلذا ممکن است یک اسم به اعتبار جهات متعدد داخل در هر سه قسم باشد؛ مانند اسم «رب» که به اعتبار معنای

ثابت اسم ذات و چون معنی مالکیت می دهد، اسم صفت و به اعتبار آنکه به معنای مصلح آمده، اسم فعل می باشد .

در ازل پرتو حُسنَت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

مراتب سه گانه احدیت: اول: احدیت ذات: در این مرتبه به هیچ وجه کثرت اعتبار نمی شود و آیه شریفه «قل هو الله احد» بیان این مرتبه است که مرتبه «احدیت - ذاتیه مطلقه» نامیده می شود . و وحدت در اینجا نعت و صفت واحد نیست بلکه ذاتی است. دوم: احدیت اسماء و صفات: همه اسماء و صفات با کثرت غیر قابل شماریشان با ذات یکی هستند؛ یعنی جمیع اسماء و صفات مستهلک در ذات و عین ذاتند . و این مرتبه «احدیت الهیه» است . و وحدت در اینجا نعت و صفت واحد است ؛ نه ذات؛ لذا همه اسماء از این حیث واحدند. سوم: احدیت افعال و تاثیرات و مؤثرات: یعنی آن ذات متعالی که در حقیقت مصدر جمیع افعال و مؤثر در منفعلات می باشد و به حسب استعداد و قابلیتشان به ترتیب آنان را به طرف حضرت ذات می کشاند؛ چنانچه حق تعالی می فرماید: «**مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ**» (هود / ۵۶) و این مرتبه «احدیت ربوبیه» است . (نقد النصوص، جامی، ص ۱۸۳ - ۱۸۴)

مراتب تجلیات مقام واحدیت: اول: مرتبه اولوهیت: مرتبه جامع جمیع صفات و «**الجامع لجميع التعینات الفعلیه المؤثره**» که همان مقام اولوهیت است که در مرتبه واحدیت تعین می یابد. دوم: مرتبه تفصیل آن مرتبه اجمال و جمعیت الهی: که همان مرتبه اسماء و صفات است. سوم: مرتبه کونیه خلقیه: یعنی مرتبه جامع جمیع تعینات انفعالیه ای که از شؤونات آن، تاجر و انفعال و تقید و لوازم آن است. چهارم: مرتبه عالم: یعنی مرتبه تفصیل این احدیت جمعیه کونیه . (نقد النصوص، ص ۳۹)

مراتب تجلیات مقام مشیت: مراد اهل عرفان از مشیت، تجلی و ایجاد به انکشاف حقیقت وجود و ظهور نور او در مظاهر خلقیه است و نتیجه تجلی و ظهور خروج ممکنات از ظلمتکده عدم به عالم نور و وجود است . و به واسطه ظهور فعلی است که از ممکنات طرد عدم می شود؛ بدون اینکه ذات از مقام غیب الغیوب تنزل یابد و ممکن از مقام فقر به مرتبه غنای ذاتی تجافی یا صعود کند تا مستلزم انقلاب ممکن به واجب بالذات بشود. در اثر تجلی حق از پشت پرده های اسماء در آیین های خلقی بود که عوالم با ترتیب و نظم خاص بر حسب ترتیب وجودی وجود یافت . نخستین چیزی که تجلی خود را آغاز نمود، «مشیت» مطلقه و ظهور غیر متعین است که از آن به فیض مقدس تعبیر کرده اند . پس «مشیت» همان مقام ظهور حقیقت وجود و اطلاق آن حقیقت

و سریان آن حقیقت است . و «مشیت» عینا همان اراده آن حقیقت است . در مقام ظهور و تجلی و مراتب تعینات، از عقول مقدسه و ملائکه مقربه تا قوای طبیعی و فرشتگان زمینی، همگی مراتب مشیت و حدود و اراده در مقام تجلی و فعل می باشند: «**خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ**» . (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۰، حدیث ۴) . [امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند مشیت را بخود مشیت آفرید سپس چیزها را با مشیت آفرید.]

بنمود جمال خویش ظاهر در عین خفا نمود اظهار

در صورت هر چه گشت موجود در عین ظهور گشت مخفی

امّهات اسماء: در عرفان نظری، اسماء به اعتباری به چهار قسم تقسیم می شوند که امهات اسماء نامیده می شوند: «**الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ**» که اسم جامع جمیع اینها «الله» و «الرحمن» است . «**قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى**» . (اسری/۱۱۰) یعنی هر یک از اسماء حسنی داخل حیطه اسم الله و الرحمن هستند، پس مظهر هر اسمی ازلی و ابدی است و ازلیت او ناشی از اسم اول است و ابدیتش از اسم آخر و ظهورش از اسم ظاهر و بطونش از اسم باطن . بنابراین اسماء متعلق به ابداء و ایجاد داخل در اسم اول و اسماء متعلق به اعاده و جزاء، داخل در اسم آخرند و آنچه متعلق به ظهور و بطون است، داخل در اسم ظاهر و باطن می باشد . و اشیاء خالی از این اسماء اربعه نیستند

برزخ البرازخ: واژه برزخ به معنای وسط بین دو طرف می باشد، که طبیعتاً شیء برزخ شامل جمله ای از خصوصیات یا همه خصوصیات دو طرف نیز می باشد. لکن این وسطیت گاهی به معنای وسطیت در جایگاه است مثل عالم مثال که بین دو عالم عقل و عالم ماده قرار دارد و خصوصیات هر دو را تا اندازه ای که تناسب از هر دو طرف حاصل شود، داراست، اما گاهی مراد از وسطیت، جامعیت و شاملیت نسبت به دو طرف هست که هر دو طرف را در خود هضم و جمع کرده است و گویا در وسط اعتدالی و اوجی قرار دارد و دو طرف در دو جانب آن می باشند. گاهی واژه برزخ به کار می رود و مراد عالی ترین مرتبه آن است که واسطه فیض میان وجود واجب و وجود ممکن یا برزخ میان وجوب و امکان است و در مقایسه با برزخ های دیگر به «برزخ اکبر» یا «برزخ اولی» و یا «برزخ البرازخ» موسوم می باشد. (نقد النصوص، ص ۳۶)

مرتبه عمائیه یا مرتبه عما: عما اطلاق شده بر غیم رقیق (ابر نازک) که حایل است بین چشم ناظر و قرص خورشید و مانع رؤیت نور خورشید می گردد. و یا مراد از عماء ابری است که حائل بین آسمان و زمین و قهرا مانع از تابش نور بر زمین و یا آنکه این عما، خود واسطه نزول برکات است ، هر چه باشد، عماء از مباحث

مهم عرفان است که در آن از جایگاه پروردگار قبل از خلقت مخلوقات و از حقیقت وجود قبل از ظهور و تعیین بحث می‌شود. این موضوع از یک سو مربوط به مقام و جایگاهی است که منشأ خلقت است و فرایندهای غیبی منجر به خلقت موجودات در آنجا رخ می‌دهد و از سوی دیگر به گستره شهود و معرفت عارف و نهایت تعالی و اوج‌گیری وی و ساحت یا ساحت‌های تاریک و رمزآلودی که از دسترس هر سالک تیزپروازی خارج است مربوط می‌گردد.

در روایت، آمده است: « **و رُوِيَ فِي حَدِيثِ أَبِي رَزِينٍ الْعَقِيلِيِّ بِرَوَايَةِ حَمَّادِ بْنِ سَلَمَةَ : أَنَّهُ سَأَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَئِنَّ كَانَ رَبُّنَا قَبْلَ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي عَمَاءٍ مَا فَوْقَهُ هَوَاءٌ وَ مَا تَحْتَهُ هَوَاءٌ .** » (عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۷۹). در حدیث ابی رزین عقیلی که حماد بن سلمه آن را نقل کرده، آمده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: پروردگار ما پیش از آفرینش آسمان ها و زمین در کجا بود؟ حضرت فرمود: در عماء؛ نه فراتر از آن هوایی بود و نه در زیر آن». بین اصحاب عرفان دو نظریه مشهور درخصوص عماء وجود دارد. برخی آن را مقام احدیت و تعیین اول و برخی آن را مقام واحدیت و تعیین دوم دانسته‌اند. اما امام خمینی در این خصوص نظریه‌ای بدیع و اختصاصی مبنی بر انطباق مقام عماء با «فیض اقدس» را مطرح ساخته‌اند:

ای خوش آن روزی که پیش از روز و شب فارغ از اندوه خالی از تعب متحد بودیم با شاه وجود نقش غیریت به کلی محو بود

فیض اقدس و فیض مقدس : این دو اصطلاح، از اصطلاحات رایج در علم عرفان نظری است و از ارکان اساسی آن به شمار می‌آیند و آگاهی نسبت به آن‌ها، در فهم بسیاری از مسائل عرفانی، مفید و مؤثر است. عرفا برای خداوند دو تجلّی قائل می‌باشند: یکی تجلّی علمی، و دیگری تجلّی عینی خارجی. تجلّی اول عبارت است از تجلّی ذات بر ذات خود که باعث تحقق اسماء و صفات می‌گردد. و این را «فیض اقدس» گویند. تجلّی دوم - که تجلّی خارجی و عینی است - تجلّی اسمائی و صفاتی است که موجب پیدایش ممکنات و حقایق موجود در عالم می‌شود و از آن، تعبیر به «فیض مقدس» می‌نمایند. به عبارتی دیگر، فیض الهی بر دو قسم است: فیض اقدس که با آن اعیان ثابته و استعدادهای آن‌ها در علم ربوبی حاصل می‌شود. [منظور از] اصطلاح «اعیان ثابته» همان وجود علمی ماسوی در ذات باری تعالی است. و دیگری فیض مقدس که به وسیله آن، اعیان ثابته در خارج و عالم کون با آنچه از لوازم و توابع آن‌ها است، حاصل می‌شوند. (نقد النصوص، ص ۴۲) وجه نام گذاری فیض اقدس به این دلیل است که «أقدس عن الإمكان ولواحقه، والكثرة و توابعها»؛ (مصباح الهدایه، ص

۶۷). یعنی : منزّه است از حالت امکانی و لواحق آن، و از کثرت و آنچه از توابع آن است؛ چرا که فیض اقدس ملاحظه اسماء و صفات الهی است بدون حالت امکانیه - که خود نقص است - در ممکنات خارجی. و فیض مقدس ملاحظه حقایق خارجی است از آن نظر که حقایق وجودیه اند و هر یک مجلی و مظهری از اسماء و صفات الهی می باشند، بی شایبه نقایص و حدود عدمی آن ها. (مصباح الهدایه، ص ۴۲) خلاصه آن که مراد از فیض اقدس، حصول اعیان ثابته و استعدادات اصلی آن ها در علم باری تعالی است؛ و مراد از فیض مقدس، حصول آن اعیان در خارج است با لوازم و توابع آن ها. (هزار و یک نکته، نکته ۳).

نتیجه بحث اینکه امام راحل(ره) در تطبیق آنچه فرموده اند با تقسیمات متداول در لسان عرفا، می فرماید: « ... و به اعتباری(انسان کامل) دارای چهار مقام است: ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت. و به اعتباری دارای پنج مقام است: شهادت مطلقه، و غیب مطلق، و شهادت مضافه، و غیب مضاف، و مقام کون جامع؛ مطابق حضرات خمس متداول در لسان عرفا و به اعتباری دارای هفت مقام، معروف به هفت شهر عشق و هفت اقلیم وجود، درالسنه عرفا است و به اعتباری تفصیلی دارای صد منزل یا هزار منزل است، که تفصیل آن از حوصله این مختصر خارج است.»

کز او بر تشنه آرد تشنگی زور برای جرعه ای دیگر خروشد نه آب آخر شود، نی تشنه خرسند	تعالی الله زهی دریای پرشور گر از وی تشنه ای صد جرعه نوشد گذشت این جست وجوی از چون و از چند
--	--